

سدا دمی به جای که به خیر خدا آئیند ...

انسان با دشمنی اختیار می تواند
مراحل کمال را طی کند
طیران مرغ دیری تو ز با پسند مہوت ...
در سیر سعادت میں درد و جلالت خود را رقم نزنند

عواطف مثل : مہمان ، شریک و فرزندگی ، راجعہ نامی ، دوستان ، برسانہ کو ...
خود انسان سرنوبت سعادت با خود را رقم می زند و آئینہ خود را آسبہ می سازد (انسان درگرو اعمال خویش است)
تدریس در قرآن :

فَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هُوَ الْوَعْدُ الْوَقْوَعُ ...

قد اطلع من زجاری ...
و قد خاب من دساک ...
بسیار به دستکاری در صورت پائی نفس از آلودگی
انتزاع به محروم شدن از دستکاری در صورت آلودگی نفس به گناه

پیام : احمیت نفس اختیار در سرنوبت انسان

زمنہ حای گناه

جمع انسانی به طور نظری به دنبال گناه و بدی نیست بلکه دو مسد در عمل صالح و خلق نیکو است و می خواهد
دیگران هم نیت به او راستگو و درست کردار باشند

خداوند اعمال و خیرات را برای عبادت مادر و گراس به خردمندی به بر احمیات معوی

علت و جرای حرکت
انسان باید همان اعمال و گراس که حد و مرز را رعایت کند و گرنه همان اعمال باعث
مهر شود گراس کی معوی به فراموشی سپرد شود و حجت زنجری صرف اعمال مادی شود
تعالیات مادر : سبب به جوان آب در لطیف است ، در صورت کنترل به موجب آبادانی
عدم کنترل به موجب دورانی

الانسان مادی کنترل شود، انسان مرکب گناه می شود.

مثال: قوه غضب ← برای > دفاع از خود در مواقع خطر
آزموده شده است.

۲
اذا عدم رعایت حدود و مرزهای عقل، و سود استاده از آن: > زیر سلطه قرار دادن دیگران
تصاحب اموال دیگران
مغیره ارباب گناه می شود

پانچ باب پریشانی: آیا محدود کردن قیامات انسان، توسط احکام الهی، لب حرص ترسیدن انسان می شود؟

۱. احکام الهی انسان را از توجیه به اعمال مادی منع نمی کند بلکه توصیه به استاده متدین از آن گامی کند

۲. انسان به چیزی حرص می ورزد که نسبت به آن تحرش شود.

انسان در زندگی اجتماعی از بسیاری امور محروم شده و دل نسبت به آن حرص ترغیب می شود.

مثلاً: در دیوار منازل شخصی مردم، دیگران را منع می کند ← آنرا پسندیده و از ضرر زندگی اجتماعی می دارد
انسان

۳. برخی افراد منابع و تجارتان در گرسن و انزوا در میان ماری است و به دنبال حرص ترسیدن مردم

در برید الزم تبعون الشهوات

« افرادی که به دنبال شهواتند، می خواهند تمامه انحراف بزرگی دچار شوند.»

« از شهوات بی روی می گذرد.»

ان تمیلوا حیلًا عظیمًا

افراد شهوات را، نام استاده معادل از قیامات را هتغ می گذارند تا القا کنند که:

« اسلام، انسان را از توجیه به اعمال و غیر مادی منع کرده است ..»

ایمان، پستوانه ای محکم برای دوری از گناه

ایمان به خداوند از عینیت
پستوانه دور از گناه است

۱. انسان مؤمن می داند که خداوند ناظر کارها است، پس حیای می کند که

در سیاه او مرتکب گناه شود. معلول ۱

معلول ۲

- در صورتی هم که گناهی از او سرزند، از خدا شرمند می شود و توبه می کند.

۲. انسان مؤمن می داند که خداوند انسان را مهیوده یا فزیره است و نسبت به

اعمال او بی تفاوت نیست. در روز حساب به

نیکوکاران به یادش علت
برکاران به محازات می کند

توجه به این مسئله، او را از گناه دور می کند. ← معلول

۳. انسان مؤمن در سرگردانی قرار ندارد. خدا او را راهنمایی کرده و سخن نموده علت

که چه کارهایی حرام و چه کارهایی واجب است. او با اعتماد به دستورات الهی عمل

می کند و به سوی استغاری پیش می رود. ← معلول

به راستی که مومنان میزور در استغارند

و آنان که در نماز شان خاشع اند

و آنان که از سهیوده کاری رد گردانند

و آنان که اتفاق مال انجام می دهند

و آنان که با کبرانی می درزند و خط از عهدان خود بهره می گیرند

و آنان که امانت دارند و بر برهمنان استوارند

و آنان که از نازکای نمود محافظت می کنند

انسان، وارث وعده های خداوند است و فردوس را برای از نالای برین مراحل بهیبت (را به ارب می برزند)

خداوند در قرآن می فرماید:

(دورنی کا مومنان در قرآن)

حیران برضی مومنین

گناہ می کتنے؟

۱. ایمان بہ خدا یا اذعان ایمان مسعودت است. (ایمان، امری قلبی است) علت
کسی کہ زمانی بگوید خدا و مسودت اور اصول دارم ولی ایمان وارد قلب نہیں ہندہ پاسد =

از دستورات خدا سر بھی و گناہ می کند ہے معلول

۲. افراد از لحاظ درجات ایمان یا ایم معادند. ایمان سست و ضعف دارد.

فزان دوری مومنین از گناہ، بہ درجہ ایمان و دلگیری او بہ خدا ارتباط دارد.

معلول علت

حرجہ ایمان بیشتر ← دوری از گناہ بیشتر

رابطہ مستقیم

ایمان ضعیف ← عدم تقویت ایمان ← الودعی بہ گناہ ← عادت بہ گناہ ←

از دست دادن ایمان ضعیف ← انکار حقایق (حقایق خدا)



ثم کان عاصية الذین

اسادوا السوائ

ان کذبوا بايات الله

وکفوا بها لیسزبون

← ارتکاب گناہ ہے بلذیب سائنہ کی خدا و تمسیر ان سائنہ کی

بیام: تقویت ایمان برای تہداری ایمان از عادت بہ گناہ انکار حقایق

ارتکاب اولین گناہ (درین صحیفہ آلودہ دو مستنک فردای خود) ہے علت

نزاری و دوری از گناہ ← معلول

صحیفہ آلودہ بہ تدریج شل می گردد یعنی بہ گناہ ← عادت بہ گناہ ہے فراموشی تندر اولیہ

توجیہ گناہ، وہ عادت بہ گناہ، سے پر گناہ کی متوسط دروازہ ملامت

۳. در مواقع ارتباط معنوی یا خدا و ایمان قوی تر ← گناہ کمتر انجام می شود

توجیہ کمتر بہ نماز در روزہ ← گناہ بیشتر

فکر لُناَه

معلول = (من لُفکره فی العاصی) یعنی (عنه العاصی)
 عاصی دور کردن فکر لُناَه برای فکرتادن؟
 علت = فکر در باره صفحه ای لُناَه = گریه لُناَه شدن

امام صادق (ع) منحن حضرت عیسی به جوار یون خود را این گونه بیان کردند: که حضرت عیسی فرمود:
 موسی بن عمران به بنی اسرائیل داد زنا کنند

امامین فرغان می دهم که حتی فکر زنا هم به خاطر بنا آورد چه رسد به این که آن عمل را انجام دهد. زیرا حرکتی که فکر آن را
 بکنند مثل کسی است که در ساختمان آس روشن کند که در این صورت دود آس خانه را مساه می کند
 گرچه طاحره خانه سالم است
 پیام: دور کردن فکر لُناَه برای فکرتادن به لُناَه

دیتر از لُناَه

یا میر (ص) = ۴ بار، دیتر از لُناَه
 اه کویک شدن لُناَه:
 نگاه حوس الور به ناختم
 حضور در اجتماع با پوشش نامناسب
 بگویم این که
 حشری نیت

- ۲. افتخار کردن به لُناَه: وقتی فلان سفل دایم فلان رسوه گرفتیم و کسی فهمید
- ۳. سادمانی کردن بر لُناَه: بعد از لُناَه خوشحالی کنیم و بگویم چه ملاحی مراد گذاشتم
- ۴. اصرار بر لُناَه: حوس کردم رسوه گرفتیم، باز هم می گویم

کمان لُناَه

در تقالیم دین توصیه رسوه که: اگر کسی به صرعت لُناَه انجام داد، نادم را بر او دلبران بیان کنند. زیرا
 با اظهار لُناَه، زشی آن در نظر او در دلبران ازین می رود و انجام لُناَه امری عادی جلوه می کند
 معلول

آرد در های معده ای لُناَه، زشی خود را از دست بر وجه، ضداد در حایبه گسرس می باید
 معلول

در میان لذت استن لُناَه خود.
 علت
 یاد دبران
 لُناَه نریب تری (شروع لُناَه) علاوه بر لُناَه قبل برای خودت می گستر
 ان الذین یحسبون ان تسبیح الناحیه من الذین
 اشاعه لُناَه
 عذاب دردناک در دنیا و آخرت
 پیام: کمان لُناَه ضروری است
 انما لهم عذاب الیم فی الدنیا و الاخرة...

لناحان صغیره و کبره

لناحان کبره ← آثار بود و زبان باریان از لناحان صغیره مبرات . نورد لناحان کبره در انات و در انات به طور دقیق محقق شده است .

عادت و تکرار نگاه ← زمینه ساز رفتن به سمت لناحان کبره

امام رضا (ع) ، لناحان کوچک راه کمی بر آناحان نرب اندو کمی که در لناحان نرب از خدا ترسید ، در لناحان بسیار نیز خواهر ترسید .

کلی از لناحان کبره ، کوچک شدن لناحان صغیره است .

آثار نگاه

آثار نامطلوب نگاه

میزبندی دنیوی و اخروی

۱. قسادت قلب : حالتی که قلب انسان تبیح می شود . تا آن جا که نصیب هیچ نصیحت کلمه در او اثر نمی کند .

این حالت با تکرار نگاه بد می شود ، یعنی قلب با تکرار نگاه چنان سخت می شود که هیچ لناحی او را ناراحت نمی کند .

قرآن : پس دل ایمان پس از آن سخت شد ، همانند نبت یا نبت تر از نبت . زیرا از بعضی سنت جامع بیان می نماید از بعضی آیه آن که آب بر زمین می آید در بعضی از آن که از عظمت و خست خداوند متعال می آید .

۱. امام باقر (ع) : هیچ چیزی مثل نگاه دل را ناسد نمی کند . همانا قلب به نگاه آوردن سود ناسی که بر اثر استمرار نگاه بر آن حیره می شود و آن را زرد دردی کند .

۲. سلب توفیق : ارتعاب نگاه ← آثار مستقیم نگاه

قلب توفیق دست بردن دردی از خیر برسد انسان ← هر چه محرومیت کوی عبیدی کلان که قلبا پیمان بود و توبه کند .

۳. از بین بردن آرایش خاطر : نگاه بر وجهان اثر می گذارد و محقق را از دردن ناراحت می کند .

→ امام علی (ع) : گاهی یک لحظه نگاه ، اندوه طو (خوب) در زبان دارد . توبه در این مرحله به نیات از اندوه تکرار نگاه به توجه نگاه و حیره شدن بر وجهان و انجام نگاه به

۱. امام باقر (ع) از بین رفتن آرایش از سببهای نگاه